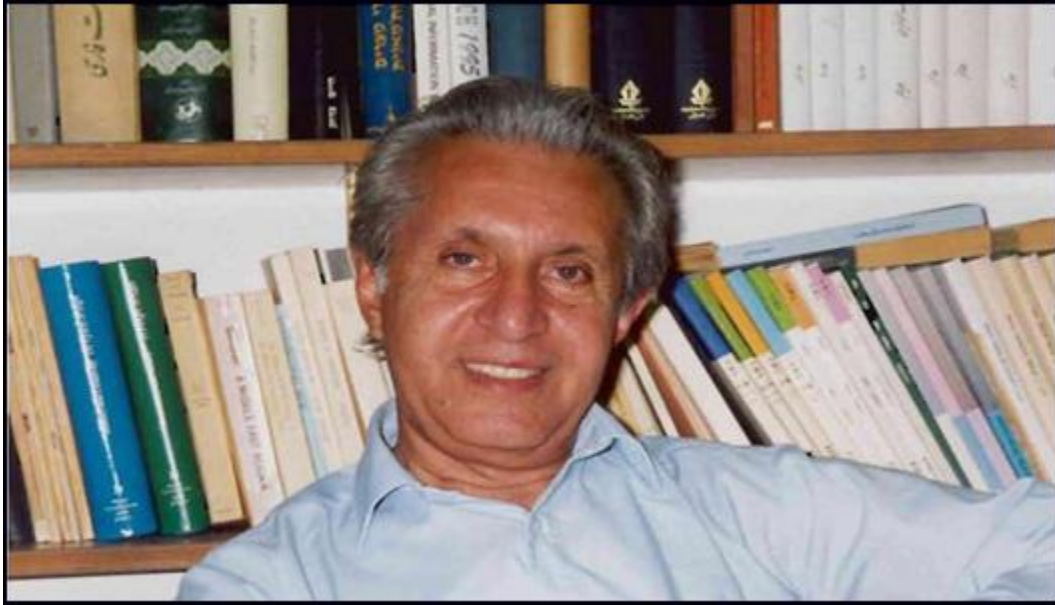


بخش سوم

اماکن مقدس یهودی

در ایران زمین



پروفسور نـتـصـر در این بخش از کتاب  
به شرح اماکن مقدس یهودی  
در خاک ایران می پردازد  
که شمار آن ها در خارج از خاک  
اسرائیل بی نظیر است

## گفت و گوی هشتم

### آرامگاه نوه حضرت یعقوب، در حومه جنوبی شهر اصفهان قرار دارد



گورستان یهودی پیر بکران در کنار زیارتگاه "سرح بت آشر" در اصفهان

پرسش - شما درباره یکی از زنان مقدس یهود سخن گفتید که "سرح بت آشر" نام دارد و نوه حضرت یعقوب بوده و به باور یهودیان آرامگاه او در شهر اصفهان قرار دارد. شما گفتید که درباره این بانو حتی در ادبیات ایران نیز مطالبی آمده است و این باور وجود دارد که این بانوی مقدسه یهود جاودان است و هرگز نمرده و هرگز نمی میرد. شما در گفت و گوی پیشین روایتی را در مورد برخورد شاه عباس با این بانوی یهودی در یک غار بیان کردید که ناتمام ماند و تقاضا داریم به آن ادامه دهید.

پاسخ - در گفت و گوی پیشین تعریف کردم که طبق روایات، شاه عباس در تلاش برای شکار آهوئی وارد یک غار می شود و در آن جا با بانوئی روبرو می گردد که همانا سرح بت آشر نوه حضرت یعقوب است. این روایت در کتاب "آنوسی" یکی از سروده های شاعر یهودی ایرانی به نام بابائی بن لطف کاشانی آمده است.

"انوسی" به مفهوم یهودیانی است که آنان را با زور و تهدید ناچار ساخته اند دین دیگری پذیرند - که این روند در طول قرون و اعصار در بسیاری از کشورها جریان داشته و یکی از تاریک ترین فصول تاریخ بشری و پایمال سازی حقوق یهودیان بی دفاع بوده است.

ولی مفهوم عمیق تر "انوسی" آن است که یهودی حتی با آن که ناچار گردیده ظاهراً به دین دیگری درآید، ولی ایمان به یهودیت و وحدانیت حق و فرامین حضرت موسی را ترک نگفته و همچنان در خلوت به اعتقادات و آداب و رسوم یهودی خود ادامه می دهد.

یادآوری می کنم که بابائی بن لطف کاشانی همان شاعر یهودی است که سرگذشت قوم خویش را به نظم درآورده و ما در گفت و گوهای مربوط به پیشینه فرهنگی یهودیان در ایران درباره او به تفصیل سخن گفته ایم.

بازگردیم به روایت شاه عباس و سرخ بت آشرف که این بانوی یهودی در برخورد با شاه ایران در داخل غار شکایت می کند نسبت به مظالمی که بر یهودیان در حکومت او وارد می آید و از شاه می خواهد که به این وضع پایان دهد.

بنا بر همین روایت، شاه عباس به آن بانوی یهودی قول می دهد که به مجرد آن که راه خروجی غار دوباره گشوده شود و او بتواند به شهر اصفهان باز گردد، قوم یهود را از شکنجه و ستم معاف خواهد ساخت. بابائی بن لطف در اشعارش می نویسد که واقعا همین نیز شد و شاه عباس پس از آن که به پایتخت بازگشت، به دستیاران خود اطلاع داد که چه اتفاقی برای او روی داده و فرمان صادر کرد که از این پس زجر و آزاری نسبت به یهودیان صورت نگیرد.

البته ما از تاریخ دقیق این روایت آگاهی نداریم، ولی آنانی که در پژوهشگری رویدادهای تاریخی تبحر دارند، احتمال می دهند که این روایت مربوط به دوره ای است که بین ۱۶۲۰ تا ۱۶۲۹ میلادی می باشد که تاریخ دوم مقارن با درگذشت شاه عباس است.

پرسش - حالا می رسیم به این پرسش که آرامگاه سرخ بت آشرف در چه نقطه ای از اصفهان قرار دارد. لطفاً ما را با خود به آنجا ببرید و تعریف کنید که چه می بینیم.

پاسخ - این آرامگاه در فاصله تقریباً سی کیلومتری جنوب اصفهان واقع شده و تا آن جا که می دانم، هنوز هم در اختیار و سرپرستی یهودیان آن شهر قرار دارد و در کنار آن گورستان وسیعی واقع شده که یهودیان اصفهان اموات خود را در آن جا دفن می کنند.

این آرامگاه در نزدیکی روستائی به نام "پیر بکران" قرار دارد و اتاق هائی در آن جا ساخته شده که به شکل عدد ۸ فارسی و یا حرف آ عبری می باشد. در واقع می توان گفت که این اتاق ها به شکل مستطیلی ساخته شده که یک ضلع ندارد و ضلع چهارم آن رودخانه ای است که از کنار گورستان می گذرد. ولی سه ضلع دیگر اتاق هائی است که برای اسکان زائران ساخته شده و یهودیان اصفهان هر سال در ماه عبری ایلول و همچنین ماه تیشری در

شمار بسیار بالا به آن جا می آمدند و همه وسائل لازم را نیز با خود می آوردند و در آن اتاق ها و یا اتاقها به مدت یک ماه تا یک ماه و نیم بیتوته می کردند.

باید این توضیح را اضافه کنیم که ماه ایلول آخرین ماه در تقویم عبری است که پس از آن ماه تیشری می آید که با آغاز سال نو یهودی و همچنین روزه بزرگ یوم کیپور و عید سوکوت (عید سایبان ها) مصادف می باشد و در واقع چندین هفته متوالی است که جنبه روحانی و معنوی دارد.

گاهی هم رسم بر آن بود که کودکان بیماری را که درمان نمی یافتند، برای ادای نذر به آن آرامگاه می آوردند و موی بلند سر آن ها را برای نخستین بار از هنگام تولد آن ها می تراشیدند. در واقع می توان گفت که این رسم تنها برای کودکان بیمار نبوده، بلکه بنا به سنت یهودیان، هنگامی که والدین برای نخستین بار می خواستند موهای سر فرزند نوزاد خود را کوتاه کنند و یا به کلی بتراشند به نزدیکی آرامگاه می آوردند و این "کار سلمانی" را همراه با آداب و رسوم و خواندن سرودهای ویژه و شادمانی و سرور برگزار می کردند.

آقای امیر شما که مانند من در اورشلیم زندگی می کنید می دانید که این رسم در اسرائیل نیز وجود دارد و به ویژه یهودیان مراکشی زاده به آن پای بند هستند و همچنین یهودیان معروف به اولترا اورتودوکس (Ultra Orthodox) و سنتی آن را محترم می دارند. این آئین قدیمی در اسرائیل در کنار آرامگاه ربی شیمعون بریوحای و ربی میئر بعل هنس که در نقطه ای به نام "مِرُن" (Meron מרון) در شمال اسرائیل قرار دارد انجام می شود. این رسم به زبان عربی مراکشی حَلَقَه (Halaqa) نامیده می شود و هر سال در یادروز آن دو روحانی صاحب کرامت یهودی که هزاران نفر در کنار آرامگاه آنان گرد می آیند برگزار می گردد.

یهودیان اصفهان همچنین وقتی به زیارت آرامگاه سرح بت آشر می روند نذر و نیازهای خود را نیز در آن جا بیان می کنند.

همان گونه که گفتم مکان آرامگاه سرح بت آشر و گورستان آن ناحیه وسیعی بوده و در نقطه ای از اتاق های زائران، همان غاری وجود داشته که بابائی بن لطف در روایت منظوم خود از آن سخن گفته است. امروز این مکان نقطه بلندی است که سوراخ مانند و تا حدودی شبیه غار است. ولی دهانه ورودی آن قدر تنگ است که تنها با سینه کش کردن می توان از آن گذشت و وارد غار شد که به شکل یک تالار بزرگ است.

در این مورد نیز روایات و اعتقاداتی وجود دارد که به موجب آن ها، کسانی که واقعا گناهکار باشند، نخواهند توانست از دهانه تنگ آن غار بگذرند و تنها افرادی قادر به عبور از آن خواهند شد که گناهی نکرده و خطائی مرتکب نشده باشند. افرادی که از این دهانه می گذرند و وارد تالار می شوند، در آن جا به نیایش می پردازند و شمع بر می افروزند. ولی نمی دانیم که از هنگام به روی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران چه تغییراتی در این مکان داده شده باشد.

همان گونه که گفتم، محوطه مربوط به آرامگاه و گورستان بسیار وسیع است و در حفاری هائی که پیش از انقلاب در ایران در آن نقطه انجام شد، تخته سنگی به دست آمد که مطالبی روی آن حک شده، ولی درست در نقطه ای که تاریخ حکاکی نگارش شده، ترکی به وجود آمده که خواندن اعداد را غیرممکن می کند و نمی توان گفت که این سنگ مربوط به چه دوره ای است.

برخی آن را به دوره اشکانیان نسبت می دهند و بعضی آن را متعلق به دوره مغول می دانند و برخی نیز با احتیاط آن را با دوران صفوی مربوط می سازند. ولی در هر حال این سنگ نیز نشانه قدمت این جایگاه مقدس است. عده ای بر این عقیده اند، و اتفاقاً بیشتر آن ها محققین اسلامی هستند که در این زمینه کاوش کرده اند، که می گویند لااقل تا دوره مغول و قرن سیزدهم میلادی همه آن مکان، یعنی تمامی روستای پیربکران و مقدار زیادی از ناحیه لنجان یهودی نشین بوده است.

این ارزیابی منطقی می نماید و علت آن است که بعید است که یهودی مقیم اصفهان حاضر می شده است سی کیلومتر مسافت را آن هم با وسایل ابتدائی آن روز طی بکند که بتواند اموات خود را در نزدیکی آرامگاه سرخ بت آشر به خاک بسپارد و یا اصولاً در چنین مکان نسبتاً دوردست جایگاه مقدسی برپا سازد و یا حتی کنیسا بسازد.

منطق این احتمال را تقویت می کند که در دوران گذشته دور و بر آرامگاه مقدس محل سکونت شمار زیادی یهودی بوده است. ولی امروز هیچ یهودی در آن روستا زندگی نمی کند. با این همه، مکان مزبور گاهی دارای متولیان مسلمان و گاهی یهودی است.

در همان نزدیکی گورستان کنار سرخ بت آشر کوهی قرار دارد که در داخل آن نوعی مفاک یا گودال و یا غاری دیده می شود که برحسب باور یهودیان اصفهان، این غار یک دالان زیرزمینی دارد که سوی دیگر آن به شهر مقدس اورشلیم در سرزمین اسرائیل وصل می شود. یهودیان اصفهان حتی به روی این کوه و این غار نام گذاشته اند و آن را "کوکوله" می خوانند.

من تلاش بسیار کردم پی ببرم که این واژه از کجا آمده است - و تنها گمانی که دارم آن است که این نقطه در گذشته "کوه کیلویه" نامیده می شده است و ما چنین نامی را در چند نقطه دیگر ایران نیز داریم. گمان می رود که اهالی محلی وقتی این نام را سریع تلفظ می کرده اند، به "کوکوله" مبدل می شده است.

اجازه می خواهم یک مطلب شخصی را نیز بیان کنم و آن این که پدر مرحوم من نیز در آن گورستان مدفون است و همچنین پدر بزرگ و مادر بزرگ من در آن خاک خفته اند و همچنین شمار زیاد دیگری از بستگان من خانه ابدی خود را در آن جا قرار داده اند. خانواده من سال ها در شهر رشت زندگی می کردند و خود من هم در رشت به دنیا آمده ام و هرگز در اصفهان مقیم نبوده ام، ولی همه آن ها دلشان می خواست که پس از فوت،

در "سِرْح بَت آشَر" به خاک سپرده شوند. این واقعیت نشان می دهد که یهودیان در اصفهان و حتی نواحی دیگر آرزو داشتند که پس از فوت، در این مکان مقدس و نسبتاً دور دست دفن شوند.

پرسش - آیا این مکان مقدس یهودیان، مورد احترام مسلمانان نیز قرار دارد؟

پاسخ - بله، صد در صد. می خواهم مطلب کلی تری بگویم و آن این که من هیچ مکان مقدس یهودی را در سراسر خاک ایران نمی شناسم که مورد احترام مسلمانان نیز نباشد. چنین مکانی اصلاً وجود ندارد. من در مورد هر یک از اماکن مقدس که از آن ها سخن بگوئیم، در این مورد توضیح بیشتری خواهم داد. آرامگاه های دیگر یهودی نیز از نظر تقدس، مورد قبول مسلمانان نیز هست.

پرسش - با کمال شوربختی، هم من و هم شما از هنگام انقلاب به بعد از ایران دیدن نکرده ایم، ولی به هر حال می خواهم بپرسم که شما از فاصله سی کیلومتری بین اصفهان و آرامگاه سرح بت آشَر سخن گفتید. ولی می دانیم که در سال های اخیر اصفهان بسیار گسترده تر شده و احتمال دارد که این مکان مقدس اکنون گوشه ای از داخل شهر باشد. در این فرصت می خواهم بپرسم که آیا می دانید مسلمانانی که به زیارت این مکان می آیند چه نوع نذر و نیازهایی می کنند؟

پاسخ - نخست می خواهم بگویم که من بسیار مایلم بتوانم دوباره به ایران بروم و همه جا را یک بار دیگر ببینم و خاطرات را زنده کنم. ولی در پاسخ به پرسش شما باید بگویم که اصولاً ماهیت نذر و نیاز در مورد انسان ها در هر نقطه جهان که باشند تفاوت اساسی با هم ندارد. آیا مردم نیازمند چه چیزی هستند؟ آن ها رزق و روزی می خواهند، تندرستی می خواهند، آرزو دارند که بیماران آن ها شفا یابند و فرزندانشان از بیماری به دور باشند، دختران دم بخت آرزوی ازدواج دارند. این ها آرزوهایی است که میان همه مردمان مشترک است، خواه در چین و ژاپن زندگی می کنند و یا ایران و آمریکای جنوبی.

در سراسر دنیا همین است. خواسته های همه انسان ها کم و بیش یکی است. ما صلح و صفا می خواهیم و در پی رسیدن به آرامش هستیم. مسلمان و یهودی هنگامی که در یک مکان مقدس می ایستند و نیایش می کنند و به نذر و نیاز می پردازند، خواسته هایشان یکی است. می آیند به مکان مقدس و در آن جا شمع روشن می کنند و به گفته خودشان از "سارا خاتون" یا "استر خاتون" که نام های دیگر "سرح بت آشَر" است آرزوی نیکوئی و نیک بختی دارند.

گفته شما در مورد شیوه تلفظ نام "سرح بت آشَر" در بین اهالی یهودی اصفهان درست است. آن ها این مکان را "سَرا بَت آشَر" و یا حتی "سارا بت آشَر" می خوانند و حتی یک نام پرمعنی دیگر هم دارند که آن "ماما سارا" می باشد، یعنی یهودیان اصفهان "سرح" را از روی محبت مادر خویش می دانند.

در یکی از سفرنامه های متعددی که من از سیاحان اروپائی خواندم و یادم نیست که نویسنده آن هلندی بوده یا آلمانی و صدسال و یا دویست سال پیش نگاشته شده، به اشتباه آمده است که این مکان مقدس در سی کیلومتری جنوب اصفهان، آرامگاه "سارا" همسر حضرت ابراهیم می باشد. این اشتباه ممکن است ناشی از آن باشد که جز سارا همسر حضرت ابراهیم، سارای دیگری وجود ندارد که در کتاب مقدس از او نام برده شده و جنبه تقدس داشته باشد.